

برای ۳۲۰ خانواده مواد غذایی داده شد



کیلوپی داده شد. ناگفته نماند که همه ساله زمانیکه انجینر محمد رضا (افشار) به کابل تشریف می آورند برای عده کثیری از بیوه زنان و مردمان مستحق توزیع مواد غذایی داشته اند و این علاوه بر سرپرستی حدود صدوپنجاه تن یتیم پرورشگاه کابل میباشد.

البته این توزیع در حالی انجام میابد که سال گذشته جناب آقای افشار برای حدود ۸۵۰ خانواده بی بضاعت و مستحق توزیع مواد غذایی داشته اند. که اداره پرورشگاه کابل از جناب ایشان و سایر دوستان که هنوز احساس نیک همکاری و دستگیری بینوایان درنهاد شان زنده است و دراین کمک ها سهم میگیرند تشکر و قدر دانی می نماید.



پیامبر اکرم فرمود:

درهمی که انسان درحال صحت در راه خدا خرج کند ، بهتر ازبنده است که هنگام مرگ آزاد کند. مردم همه عیال خدایند ومحبوبترین کسان پیش خدا کسی است که برای عیال وی سود مند تر باشد

احساس همدردی و همکاری اصلی است که اسلام بدان توصیه نموده است و مسلمانان بنابر دساتیر قرآن و پیامبر اکرم (ص) موظف شده اند تا دست بی نوایان و محتاجان را بگیرند . واقعا اگر ثروتمندان و آنانیکه توان کمک و دستگیری مردمان بیچاره و فقیر را دارند به وظیفه خود عمل کنند دیگر گرسنه ای در جامعه نخواهد بود . تا از گرسنه گی مجبور به انجام اعمال منافی اخلاق، اجتماعی گردند و یا در دام قاچاق بران مواد مخدر گرفتار آیند.

بلی : جناب الحاج انجینر محمد رضا (افشار) که موسس پرورشگاه کابل و یکی از خیرین و مردمان با احساس کشورماست. حدود ده سال است موسسه خیریه پرورشگاه کابل را ازبودجه شخصی خویش وعده مومنین تاسیس نموده که اکنون مرکز خیر رسانی برای عده از مردمان بیچاره و یتیمان و بیوه زنان گردیده است.

چنانچه بتاریخ ۲۷/جوزا/۱۳۹۰ برای ۳۲۰ خانواده از بیوه زنان و مردمان بینوا برای هر خانواده یک بوری آرد ۵۰ کیلوپی و یک پیپ روغن ۵

چه باید کرد؟

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: از ما نیست مسلمانی که شب را سیر بخوابد ، در حالیکه میداند همسایه اش گرسنه خوابیده است. بلی! کشوریکه میلیاردها دالر سالانه در آن وارد میشود، ولی هنوز خانواده هایی در آن شبها گرسنه می خوابند و جوانان آن از بیکاری به انواع امراض روانی و اعتیاد مبتلا میگردد. کشوریکه یک عده از گرسنگی فریاد میزنند و عده ای دیگر از مستی و بدست آوردن پول از راه های مختلف عربده میکشند. کشوریکه یک عده از مردم آن خانه گلی ندارند تا در آن شبانه روز زندگی ناچاری شان را سپری نمایند ولی عده ای دیگر مصروف ساختن بلند منزل هایی اند که خدا میداندهزینه آن از کجا بدست می آید.

کشوریکه عده محدود برای معالجه امراض روتین و ساده شان به خارج مسافرت مینمایند ولی عده ای کثیری از مردم بیچاره به واسطه امراض ساده که علاج آن در گوشه گوشه دنیا میسر است توان ندارند تا خود و یا یکی از اعضای خانواده شان را علاج نموده و از مرگ نجات دهند.

کشوریکه سرمایه های کاری آن یعنی جوانان از بیکاری به کشور های همسایه و یا دورتر از آن فرار مینمایند ولی پول داران آن عوض ایجاد کار و ساختن کارخانه جات برای ارائه خدمت جهت پیش رفت کشور در ساختن بلند منزل ها و مراکز تجارتی مصرف هستند، در حالیکه اگر مردم توان خرید نداشته باشند، بالاخره سرنوشت آن مراکز چه خواهد شد؟ نمیدانم.

کشوریکه مردم مسلمان آن به خاطر دین و آبروی دینی خود شهدای میلیونی تقدیم راه خدا نمودند، امروز عده ای با ایجاد دستگاه هایی تبلیغاتی و نشر فرهنگ مبتدل غربی در صدد مبارزه علیه ارزشهای دینی و فرهنگی مردم هستند.

برای ۶۰ بیوه زن مستحق کمک نقدی صورت گرفت



توزیع به بیوه زنان بیچاره در نظر گرفته بود به پرورشگاه کابل آورده و با دست خودش به مستحقین توزیع کرد که این عمل مخلصانه او هر چند اندک است ولی از لحاظ ارزشی دارای قیمت خیلی بالایی است و میرساند که اگر همه به وظیفه دینی خود عمل نمایند و حداقل وجوهات شرعی مالی خود را برای مستحقین و مستمندان برسانند شاید وسعت فقر و بیچارگی در جامعه ما در این حد که امروز است نماند و اختلاف طبقاتی تا این حد که یکی از گرسنگی جان دهد و دیگری از سیری و پرخوری سکت نماید نخواهد بود.

واقعا اگر ما در مورد وظیفه و مسولیت های اجتماعی خود توجه داشته باشیم و فکر کنیم که مسولیت ما در اجتماع و جامعه که زندگی مینماییم و یا انسانیکه در اطراف ما هستند تا چه حد است. باید گفت که این سوال را خداوند (ج) قرنهای قبل جواب داده که (مسولیت ما به اندازه توان و وسع ما است) اگر توان بیشتر داریم مسولیت بیشتر و اگر توان و وسع کمتر داریم مسولیت و وظیفه کمتر و سبک تر است. بلی بتاریخ ۱۳۹۰/۱/۲۵ یکی از مؤمنین و مخلصین به وظیفه دینی یعنی (بابه رمضان علی) که از وجوهات شرعی خود مبلغ ۶۰۰۰۰ افغانی را برای

آموزش کوتاه مدت پروگرام آتوکد



این یک زمینه خوبی برای اطفال یتیم پرورشگاه کابل است که امیدواریم بتواند از این پروگرام حد اعظمی استفاده را داشته باشند. البته جا دارد از بنیاد راقم و مخصوصاً از محترم انجنیر عبدالله (بکناش) در این مورد ابراز سپاس و تشکر داشته باشیم. خداوند انشاءالله بر توفیقات شان بیافزاید.

کورس کوتاه مدت آشنایی با پروگرام آتوکد که هزینه آن از طرف بنیاد راقم تمویل میگردد، در آئند نزدیک برای شاگردان ممتاز پرورشگاه کابل ایجاد میگردد، البته این در حالی است که سال گذشته نیز عده ای از شاگردان پرورشگاه کابل در این زمینه آموزش دیده اند که توانستند حد اقل اساسات پروگرام آتو کد را بیاموزند و

...چه باید کرد؟

راستی مردم در اکثریت سخت دچار مشکلات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی صحتی هستند. از لحاظ سیاسی مردم اعتماد خود را از دولت که کاری برایشان انجام دهد از دست داده اند.

از لحاظ امنیتی وقتی یکی از اعضای خانواده بیرون میرود، تاب رگشت و یا شب که همه دور هم جمع میشوند، مطمئن نیستند که آیا شب باز هم با هم خواهند بود یا گرفتار کدام انتحار و انفجاری خواهند شد.

از لحاظ اقتصادی که وضعیت اکثریت مردم خیلی بد است یعنی در حد زنده ماندن هستند در حقیقت مردم افغانستان، نه عده محدود بلکه اکثریت ناچار زنده هستند و برای زنده ماندن تلاش می نمایند، ولی زندگی ندارند. چه رسد به آن عده از بیوه زنان و اطفال یتیم که نان آورشان یا در اثر انفجار و انتحار کشته شده و یا در اثر کدام مریضی ساده که نباید میمرد و امکان معالجه آن ۸۰ الی ۹۰ درصد وجود داشت، ولی افسوس از ناداری و ناتوانی توانسته به موقع خود را تدای نمایند و از مرگ نجات یابند و اکنون او مرده و یک مشت اطفال یتیم و بیوه زن مادر اطفالش، محتاج یک لقمه نان هستند و به دروازه موسسات و غیره سرک میکشند، تا مگر چیزی بدست آورده زندگی شبانه روزی شان را سپری نمایند.

خوب: وضعیت دولت آن چنان و مشکلات مردم این چنین، اکنون باید پرسید که وظیفه تو برادر دینی و مسلمان و توانسهای که هم نوع تان را چنین مشاهده می نمایند چیست، آیا وظیفه خود را در مورد ادا نموده اید، آیا شما در این رابطه احساس کدام مسولیت نمی نمائید؟

بلی! برادر، خواهی و حتی تو انسان هم نوع اگر تاهنوز نتوانسته ای مسولیت و وظیفه خود را در قبال انسانهای بیچاره و مظلوم و نیازمند دستگیری ادا نمایی و توفیق نداشته ای، حالا تادیر نشده و دست اجل بطرف نیامده و امکان ادا مسولیت داری اقدام کن تا در آئینه و قیامت شرمند خدا نبوده و در زندگی دنیا سربلند و از لحاظ انسانی با وجدان آرام زندگی نمایی.

طلوع فورشید

وزنه برداران

جوانان مسلمان سرگرم زورآزمایی و مسابقه وزنه برداری بودند، سنگی بزرگی آنجا بود که مقیاس فوت و مردانگی جوانان به شمار میرفت و هرکس آنرا به قدری توانائی خود حرکت میداد، در این هنگام رسول اکرم (ص) رسید و پرسید:

چه میکنید؟

داریم زورآزمایی میکنیم، میخواهیم ببینیم کدام یک از ما قوی تر و زورمند تر است.

میل دارید که من بگویم چه کسی از همه قوی تر و نیرومند تر است؟

البته، چه از این بهتر که رسول خدا داور مسابقه و نشان افتخار را به او بدهد.

افراد جمعیت همه منتظر و نگران بودند که رسول اکرم (ص) کدام یک را به عنوان قهرمان معرفی خواهد کرد، عده ای بودند که هریک پیش خود فکر می کردند الآن رسول خدا دست او را خواهد گرفت و به عنوان قهرمان مسابقه معرفی خواهد کرد.

رسول اکرم: (از همه قوی تر و نیرومند تر آنکس است که اگر از یک چیزی خوشش آمد و مجذوب آن شد، علاقه به آنچیز او را از مدار حق و انسانیت خارج نسازد و به زشتی آلوده نکند، و اگر در موردی عصبانی شد و موجی از خشم در روحش پیداشد، تسلط بر خیزش را حفظ کند، جز حقیقت نگوید و کلمه دروغ یادش نام بر زبان نیاورد، و اگر صاحب قدرت و نفوذ گشت و مانع ها و رادعها از جلوش برداشته شد، زیاده از میزانی که استحقاق دارد دست درازی نکند)

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

اعمال نیک انجام دهید که از سقوط های بد جلوگیری میکند و صدقه نهان دهید که خشم خدای عزوجل را خاموش میکند.

هرچه خواهی بمان که خواهی مرد، هر که را خواهی دوست بدار که از او جدا خواهی شد و هر چه را خواهی بکن که سزای آنرا خواهی دید.

از خانواده ام خبر می گرفتم آنها از بودن در پرورشگاه راضی بودند و مراثی و توبی می کردند که بیشتر به درسهای خود توجه کنم معلمین نیز مرا تشویق میکردند و از آینده درخشان برایم خبر میدادند. من با شوق تمام درس میخواندم و آرزو داشتم که روزی بتوانم برای خود کاری پیدا کنم.

مدت هشت سال در پرورشگاه ماندم در پهلوی درسهای مکتب زبان انگلیسی و رانیزمقداری آموختم. از اینکه خانواده ام شرایطی بدی را سپری می نمودند من مجبور گردیدم که پرورشگاه را ترک کنم تا مشکلات خانواده را مقداری حل کنم لذا به مدت کم توانستم برای خود در شرکت (جیلی اخوان) کار پیدا کنم حالا از معاش خوبی برخوردار هستم و از زندگی خود راضی. من نمیدانم چگونه از جناب آقای محمد رضا افشار بنیانگذار پرورشگاه کابل و جناب محترم سید نعیم احمدی و استادان نهایت مهربان تشکری نمایم از اینکه یک فضای خوبی برای من و دیگر شاگردان مهیا ساخته اند که میتوانند درس بخوانند و آینده خود را بسازند از شما سپاس و تشکر می کنم از خداوند بزرگ توفیقات بیشتر برای شما خواهانم.

در اخیر احساس می کنم که خورشید زندگی من طلوع کرده و در گرمای آن فضای زندگی خود را گرم ساخته و از روشنی آن استفاده کرده و به دیگران نیز هدیه می دهم. به امید کامیابی و سربلندی شما.

عبیدالله فرزند رحمت الله

یکی از شاگردان سابق پرورشگاه کابل

لحظه ای که قدم گذاشتم، باد صبحگاهی صورت و موهای مرا نوازش می داد. عطر گل های رنگا رنگ فضای پرورشگاه را پر کرده بود سروصدا های بچه ها که این طرف و آن طرف می دویدند گوش و چشم مرا خیره ساخته بود با خود می گفتم این بچه ها چگونه دور از خانواده در اینجا زندگی می کنند و چقدر خوشحال اند و هیچ غم و غصه در چهره شان دیده نمی شود.



باقدمهای محکم بسوی اداره رفتم برخورد درست مسؤل پرورشگاه و مهمتر از همه دلسوزی او و معلمین که در آنجا تدریس می نمودند، قدمهای مرا مستحکم نمود.

دقیق من در سال ۱۳۸۱ در پرورشگاه کابل شامل شدم همزمان با شامل شدن، من از نعمت های زیادی برخوردار گردیدم و یک محیط کاملاً سالم برایم مساعد گردیده بود.

فردای همان روز به دروس خویش آغاز نمودم و از درسهای اساتید استفاده می کردم از اینکه کاملاً در یک فضای بسیار خوبی قرار گرفته بودم گذشته های تلخ خود را فراموش می کردم. آهسته آهسته روزها و شبها می گذشت من از نظر جسمی و روحی بزرگتر می شدم دیگر تمام بچه ها و معلمین مرا می شناختند گاه گاهی



اطفال پرورشگاه کابل در حال میل و تفریح در یغمان

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.